



فرخنده باد هشتم مارس، روز جهانی زن و روز همبستگی رزم جویانه با پیکار زنان سراسر جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درود آتشین بر پیکار طولانی و قهرمانانه زنان ایران، در راه رهایی از ستم جنسی و طبقاتی، برای آزادی و عدالت اجتماعی

در صفحه ۳



شماره ۵۷۸، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۱۷ اسفند ماه ۱۳۷۸

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در ص ۸

«ارزیابی کارگران صنوف و کارخانجات صنعتی تهران از نتایج انتخابات مجلس ششم»

«انتخابات مجلس ششم در شرایط غیر دموکراتیک و در نبود احزاب و سازمان های سیاسی مترقی ملی و چپ و سندیکاها و مدافع طبقه کارگر برگزار شد. حضور یکپارچه و قدرتمند مردم در پای صندوق های رای و آراء آگاهانه آنان به نمایندگان مورد نظر خویش نشان داد که مردم کشور ما بیش از آن آگاهند که با ترفندها و نیرنگ های سیاسی و یا شرعی بتوان آنها را اغفال و یا از مسیر درست و اصولی حرکتشان منحرف کرد. حضور و مشارکت مردم در انتخابات نشان از اعتلاء شعور سیاسی - اجتماعی آنان در مبارزه با استبداد و خودکامگی به شمار می رود.

بلوغ و رشد فکری توده ها مشت محکمی است بر پوزه مدافعان استبداد و نظریه پردازان ذوب در ولایت جناحی از حاکمیت که به دلیل ترس از توده ها خواهان عدم مشارکت گسترده مردم در صحنه های مبارزاتی از جمله در صحنه انتخابات مجلس ششم بودند. کسانی که مشروعیت نظام سیاسی را ورای مردم و قانون می پندارند و حقوق شهروندی را تابع تقسیم بندی ساختگی و تصنعی درجه یک و دو می دانند در مقابل حضور گسترده مردم و دادن رای (نه) به چنین نظرهایی چه پاسخی دارند؟

ما در بیانیه تحلیلی کارگران صنوف و صنعت تهران به درستی نوشتیم که «ما کارگران همواره پیشتاز جنبش ملی - توده ای و جنبش صنفی بوده ایم و اکنون قادریم این دو وظیفه انقلابی را با به پای هم به عهده بگیریم و در هر دو صحنه حضور فعال خویش را تا بدست آوردن اهداف خواسته های صنفی - اجتماعی در کنار اهداف ملی استمرار بخشیم.»

بر اساس این دیدگاه در سطح جنبش ملی که مجلس

خانم مهرانگیز کار در مصاحبه با خبرنگار ویژه اومانیته در تهران: اصلاح طلبان زنان را فراموش کردند

خانم مهرانگیز کار، وکیل دادگستری و نویسنده، با دقت مسائل زنان موشکافی می کند، او فردای انتخابات مجلس، با خبرنگار رومانیته، مصاحبه بی انجام داده است که متن آن به شرح زیر است:

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه مصاحبه خانم مهرنگیز کار

است که در مجلس به اندازه کافی نماینده زن نیست و در خارج از مجلس نیز گروه های فشار، سازمان های غیر حکومتی که بتوانند اقدام بکنند، وجود ندارد. بعلاوه، آنهایی هم که انتخاب شدند، به طور اعم، وزن زیادی ندارند.

• شما نتایج انتخابات را چگونه تفسیر می کنید؟

مهرنگیز کار: پس از بیست و یک سال سیستم مذهبی نشان داد که برای مسائل ما راه حل عملی ندارد، چه اقتصادی باشد و چه اجتماعی و یا به طور خیلی ساده انسانی، بخصوص پس از پایان جنگ با عراق. مردم به یک صلح قابل لمس و درک نیاز داشتند، اما به جای آن، حکومت یک فضای جنگی را حفظ کرد، خشونت و زور سیاسی را به کار گرفت. ولی رای مردم به نفع اصلاح طلبان، به معنای پذیرش نظریات آنها نیست. آرای مردم بیشتر رای به ضد محافظه کاران است. فراموش نکنیم که، نامزدهای غیر مذهبی اجازه نداشتند که خود را بعنوان کاندیدا معرفی کنند و در حقیقت هیچ گاه «کثرت گرایی» (pluralism) سیاسی وجود نداشته است. اگر

کاندیدای غیر مذهبی زیادتری می بود، این امر به مجلس کمک می کرد. اکثریت مردم «لائییک» اند. این بدین منظور نیست که آنها اسلام را رد می کنند (اکثر ایرانی ها مسلمان هستند)، اما خواست و تمایل جداسازی دین و حکومت از هم، وجود دارد. لائییک ها در سال ۱۹۹۷ به خاتمی رای دادند و به حمایت از او ادامه دادند. آنها ترجیح می دهند که سیستم را قدم به قدم تغییر دهند. در این جهت می توان گفت که اصلاح طلبان امیدی برای کشورند زیرا اگر آنها موفق بشوند، مذهبی ها نمی توانند در قدرت باقی بمانند.

• شما از خشونت سیاسی و فقدان «کثرت گرایی» سخن می گوئید. منظورتان دقیقاً چیست؟

مهرنگیز کار: مجازات ها خیلی سختند، آزادی بیان عملی وجود ندارد، آزادی مطبوعات غالباً یک شوخی است. پاره بی اوقات می توان حرف خود را زد، ولی انسان را ترس بر می دارد. کاسه صبر مردم لبریز شده، آنها حس می کنند که در زندگیشان هیچ گونه آزادی وجود ندارد. اما «کثرت گرایی» به انتخاب میان دو خط در همان چارچوب خلاصه می شود. کسی نمی داند که اگر کاندیداهای لائییک می بودند چه می گذشت. اصلاح طلبان چیزهایی را وعده دادند که آنها را در چارچوب سیستم کنونی، با قانون اساسی و با قوانین (موجود) نمی توانند انجام دهند. باید فضا را اصلاح کرد و به یک بحث واقعی در جامعه امکان داد. همچنین آنهایی که قرائت دیگری از اسلام را پیشنهاد می کنند در معرض زندانی شدن توسط حاکمیت قرار دارند. کدیور که یک روحانی است در زندان بسر می برد. اگر فضای بازی باشد می توان امیدوار بود که

در آینده رفورمی در اسلام صورت گیرد و دگرگونی مهمی در سیستم سیاسی تحقق ببینند، با این شرایط ما می توانیم به پیش برویم.

• آیا شما طرفدار یک خوشبینی محتاطانه اید؟

مهرنگیز کار: نباید فریفته شد. سنت گرایان هنوز هم بر سر قدرت باقی خواهند ماند، ولو همان توانائی های گذشته را نداشته باشند. آنان که به عنوان «روشنفکران» مذهبی نامیده می شوند می گویند که مینا و اساس مذهب برابری است. آنها سعی می کنند که سنت گرایان را متقاعد سازند. سنت گرایان از این عقیده جانبداری می کنند که زن و مرد دارای یک نقش نیستند بنابراین دارای حقوق مساوی هم نیستند. متأسفانه در مجلس افراد لائییک و نیز زنان، به اندازه کافی نیستند و آن زمانی که در مجلس هستند واقعا نمایندگان زنان ایرانی نیستند. آنان غالباً همسران، دختران و یا خواهران آخوندها هستند. این مجلس برای زنان در وضعیت کنونی کار بزرگی نمی تواند بکند. ما نیاز داریم که متشکل شویم، اصلاح طلبان در این زمینه می توانند کمک کنند. اگر این کار را بکنند، ما می توانیم به آینده خوش بین باشیم. اجازه دادن به زنان که بدون حجاب از خانه خارج شوند خود یک دگرگونی بزرگ خواهد بود.

به نقل از روزنامه «اومانیته»،
۲۲ فوریه ۲۰۰۰

حزب توده ایران احکام جابرانه بیدادگاه های «اسلامی» رژیم را محکوم می کند

بر اساس آخرین گزارش های رسیده، شعبه ۲۷ دادگاه انقلاب اسلامی، بدون تشکیل جلسات محاکمه و تنها با اتکاء به بازجویی های زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران رژیم «ولایت فقیه»، بهرام نمازی را به ۱۵ سال زندان، خسرو سیف را به ۱۳ سال و فرزین مخبر را به ۱۳ زندان محکوم کرد. جرم این مبارزان راه آزادی، از جمله عضویت در حزب ملت ایران، «فعالیت علیه نظام و اخلاص در امنیت داخلی» و در مورد بهرام نمازی «توهین به مقام رهبری» نیز ذکر شده است. این احکام جابرانه و ضد انسانی در حالی صادر می شوند که قاتلان پروانه و داریوش فروهر، مزدوران «ولی فقیه» و وزارت اطلاعات رژیم، بیش از یکسال پس از آن جنایات تکان دهنده نه تنها هنوز محاکمه نشده اند، بلکه دستگاه قضایی رژیم، با انواع و اقسام ترندها سرنوشته این پرونده را در هاله ای از ابهام و تبلیغات دروغ قرار داده است و در تلاش است تا آمران و عاملان اصلی این جنایات را از مجازات مصون بدارد.

حزب توده ایران صدور احکام جابرانه بیدادگاه های رژیم «ولایت فقیه» بر ضد اعضای حزب ملت ایران را بشدت محکوم می کند و از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران و جهان می طلبد که با اعتراض وسیع خود رژیم را وادار به فسخ این احکام کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۶ اسفندماه ۱۳۷۸

ادامه متن پیام کمیته مرکزی به ششمین کنگره...

آزادی و دموکراسی در کشور است، تاکید ورزیده ایم. ما در اسناد مصوب کنگره چهارم حزب، با شفافیت، از لزوم درک پیوندهای دیالکتیکی جنبه های مختلف آزادی با حقوق مدنی، حقوق اجتماعی - اقتصادی و نیز حقوق ملی توده ها، سخن گفته ایم. دفاع ما از آزادی ها، عین دفاع ما از آینده جنبش زحمتکشان است. ما آزادی های مدنی و سیاسی را برای تحقق قابلیت ها و شأن انسان و نیز برای توسعه جامعه ضروری می دانیم. ولی نیروهای ارتجاعی حاکم که از اوج گیری انتقاد توده ها به سیاست های اقتصادی و اجتماعی جاری خود وحشت دارند، با توسل به تمامیت خواهی و انحصارگری، آزادی بیان، اندیشه و عرصه های فعالیت سیاسی مردم را محدود و سرکوب کرده اند. ممانعت از فعالیت احزاب سیاسی مستقل، دستبرد به تاریخ مبارزاتی مردم کشور مان برای وارونه جلوه دادن تحولات تاریخی، و سعی در پایه ریزی احزاب سیاسی بی که نه ریشه در جامعه داشته و نه سیاست مشخصی در قبال منافع قشرها و طبقات خلق دارند، بخشی از سیاست ضد دموکراتیک رژیم ولایت فقیه است.

برای حزب توده ایران، مبارزه در جهت حقوق مدنی شهروندان، مبارزه برای تضمین حق آزاد زیستن است، حق بهره مندی از یک زندگی آبرومند، حق مصون بودن از بیکاری، فقر، عدم امنیت، حق بهره مندی از مسکن مناسب و مصونیت از حوادث کاری که سالانه موجب مرگ و معلول شدن هزاران کارگر می شود. ما توسعه سیاسی در کشور را عامل تعیین کننده ای برای مبارزه قاطع برضد استبداد قرون وسطائی و تاریک اندیشی، مبارزه با عقب ماندگی اقتصادی، ستم اجتماعی، فساد اداری، باند بازی و رشوه گیری و... می دانیم.

مبارزه ما مدافعان سوسیالیسم علمی در راه آزادی، ادامه پیگیر سنت های ارزشمند تاریخ مبارزاتی ما است. مارکس و انگلس، بنیان گذاران نظریه سوسیالیسم علمی، بنیان های دموکراسی را میراث ارزشمند جامعه انسانی می دانستند، که وظیفه دفاع از آن و تحویل آن به نسل های آینده، به طبقه کارگر محول شده است.

آنها به طور پیگیر، اهمیت مبارزه برای آزادی مطبوعات، تشکل و تجمع را، به عنوان وظایف سیاسی عمده جنبش کارگری، مورد تاکید قرار می دادند. انگلس، اهمیت این آزادی ها را، به مشابه حاد ترین و حیاتی ترین خواسته های طبقه کارگر، مورد تاکید قرار داده و می گفت که، این آزادی ها برای حزب طبقه کارگر «محیطی ضروری برای موجودیت» و «هوایی ضرور برای تنفس» است. البته سوسیالیسم علمی از مظاهر دموکراسی مدرن فراتر می رود، و پایه های مادی آزادی واقعی انسان، رهایی اقتصادی، اجتماعی مردم از طریق برانداختن استثمار را پی ریزی می کند. لنین، رهبر کبیر انقلاب اکتبر، در ادامه کوشش های مارکس و انگلس در تعریف و تدقیق سوسیالیسم علمی، اصرار می ورزید که، طبقه کارگر در مبارزه برای رسیدن به هدف سوسیالیسم باید پرچم دموکراسی، آزادی سیاسی و خودگردانی ملی را برافراشته نگه دارد. لنین در تزه های خود عنوان کرد که، «پرولتاریا نمی تواند بدون یک مبارزه همه جانبه، پیگیر و انقلابی، برای دموکراسی، خود را برای پیروزی برضد بورژوازی آماده کند.»

حزب توده ایران، در پیگیری چنین مبارزه تاریخی است که، با طرح منشور آزادی و پیشنهاد جنبه ضد دیکتاتوری، دعوت خود از نیروهای دموکراتیک کشور برای یک مبارزه همه جانبه برضد رژیم ولایت فقیه را تکرار کرده است. ما به ضرورت چنین اتحادی، همچون پیش شرط اصلی یک تحول دموکراتیک در کشور، معتقدیم.

رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران، توفیق شما در تدوین خطوط سیاست مبارزاتی سازمان را خواهان است. با این امید که کنگره کنونی بتواند در راستای مبارزه مشترک نیروهای چپ تصمیمات مشخص و کارایی را اتخاذ کند.

با گرامی داشت یاد همه شهدای راه آزادی
با درود به همه مبارزان راه آزادی،
استقلال و عدالت اجتماعی
زنده باد سوسیالیسم!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درود آتشین بر پیکار طولانی و قهرمانانه زنان ایران، در راه رهایی از ستم جنسی و طبقاتی، برای آزادی و عدالت اجتماعی

زنان پیکارجو و آگاه!

بر ضد استبداد در کنار مخالفت و مبارزه آشکار بر ضد قوانین و حرکت های زن ستیزانه ای که رژیم در سه سال گذشته به تصویب رسانده است، گوشه هایی از رزم زنان میهن ما در راه رهایی از زنجیرهای ستم استبداد است. مقابله قهرمانانه زنان با طرح ضد انسانی جدا سازی خدمات درمانی بر اساس جنسیت، که در بسیاری از نقاط کشور، با حرکت های اعتراضی، تحسن، راه پیمایی و اعتصاب همراه بود، مبارزه با طرح استفاده تصویری از زنان، پیکار برای تغییر قوانین ارتجاعی قضایی و مدنی، که زنان را از بسیاری از حقوق انسانی و اولیه خود محروم سازند، از جمله مسایل مهم و میرمی است که پیش روی جنبش زنان قرار داشته و دارد.

انتخابات ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۸، آزمون موفق دیگری از نقش، سازمان یافتگی و اراده خلل ناپذیر زنان میهن ما در پیکار بر ضد ارتجاع و ضربه زدن به استبداد حاکم بود. این بار نیز، همچون دوم خرداد ۱۳۷۶، میلیون ها زن ایرانی، در گوشه و کنار کشور، به پای صندوق های رأی رفتند و مرتجعان حاکم را با شکست مفتضحانه بی رويه رو کردند. زنان در این انتخابات، همچنان نشان دادند که، با چه هوشیاری تحسین برانگیزی به نامزدهای انتخاباتی رأی داده اند. در حالی که کسی همچون فائزه هاشمی، در انتخابات قبلی، به دلیل قرار گرفتن در مقابل شخصیت مرتجع همچون ناطق نوری، و در شرایط عدم وجود هیچ فرد جایگزینی، توانست نفر دوم انتخابات تهران شود، این بار، حتی توانست به مجلس راه یابد. این تجربه به روشنی نشانگر آن است که ملامک انتخاب برای جنبش، تنها شعارهای توخالی و عوام فریبانه نیست و نمی تواند باشد.

تجربه سه سال گذشته همچنان نشان داده است که، جنبش زنان بیش از هر امری، به سازمان یافتگی، تشکیل سازمان های مستقل و صنفی خود، نیازمند است. بی توجهی جدی بخش مهمی از نیروهای ائتلاف جبهه دوم خرداد، و در برخی موارد تأیید سیاست های زن ستیزانه، خصوصاً از سوی نیروهای سنتی این جبهه، همچون «مجمع روحانیون مبارز»، بحق نگرانی های بسیاری را در میان فعالان جنبش زنان برانگیخته است. از این رو حرکت به سمت ایجاد تشکل های مترقی، دموکراتیک و مستقل، که با برنامه مشخص و در راه تحقق حقوق پایمال شده زنان میهن ما حرکت کنند، در اوضاع کنونی، از حساسیت ویژه بی برخوردار است.

حزب توده ایران، نخستین حزب سیاسی میهن ما بود که، نزدیک به پنجاه و هشت سال پیش، موضوع برابری حقوق زنان را در دستور کار و برنامه مبارزاتی خود قرار داد و توانست در این راه خدمات مهمی انجام دهد. دست یابی زنان به حق رأی، ایجاد تشکل های صنفی پیشرو و روشنگری اجتماعی - سیاسی، در فضای فوق العاده عقب مانده جامعه ما، از جمله دست آوردهایی است که حزب توده ایران و خصوصاً زنان توده ای به آن می بالند. امروز نیز همچون گذشته، حزب توده ایران خود را بخش جدایی ناپذیری از پیکار زنان میهن ما در راه آزادی و رهایی از ستم جنسی و طبقاتی می داند و اعتقاد عمیق دارد که تحقق آزادی و استقرار جامعه مدنی بدون تحقق حقوق زنان میهن ما ممکن نیست. جنبش مردمی، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و زنان رزمنده و آگاه میهن ما، در طول تاریخ طولانی و پرافتخار پیکار در راه رهایی میهن، اثبات کرده اند که در صورت اتحاد عمل، سازمان یافتگی و انسجام این توان را دارند که بزرگ ترین سدها را از سر راه بردارند. آینده به نیروهای ترقی خواه، دموکراتیک و آرمان های والای جنبش زنان میهن ما، برابری جنسی و طبقاتی، آزادی و عدالت اجتماعی تعلق دارد.

فرخنده باد هشتم مارس، روز جهانی زن، روز همبستگی رزم جوانان با پیکار زنان سراسر جهان در راه رهایی از ستم جنسی و طبقاتی، برای آزادی و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۶ اسفندماه ۱۳۷۸

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن هشتم مارس را، روز جهانی زن، روز تجدید عهد با آرمان های انسانی و والای رهایی از زنجیرهای ستم جنسی و طبقاتی به شما زنان رزمنده و زجر دیده میهن مان، از صمیم قلب، تبریک می گوید، و بار دیگر تعهد تاریخی و طبقاتی خود را با مبارزه قهرمانانه ای که شما در طول نزدیک به یک سده در میهن ما به پیش برده اید، اعلام می کند.

می دانید که، نود سال پیش، در سال ۱۹۱۰ میلادی، به پیشنهاد «کلارا تستکین»، از رهبران بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی آلمان، و از بنیان گذاران حزب کمونیست آلمان، روز هشتم مارس، به احترام خاطره کارگران زن آمریکایی، که در ۸ مارس ۱۸۷۵، در تظاهرات برای احقاق حقوق خود با گلوله های نظام سرمایه داری به خاک و خون افتاده بودند، روز جهانی زنان و روز اعلام همبستگی با پیکار زنان در سراسر جهان اعلام شد، و از آن روز تاکنون، روز هشتم مارس، هرساله با شکوه بیشتری در سراسر جهان برگزار می شود. جنبش زنان از آن روزهای آغازین قرن بیستم تاکنون، راه دراز و تحسین برانگیزی را پیموده است.

شما زنان رزمنده و آگاه میهن ما نیز، همگام با زنان سراسر جهان، اکنون دهه هاست که، بررغم همه فشارها، عقاید ارتجاعی و قرون وسطایی حاکم بر جامعه عقب مانده و زیر نفوذ استعمار و استعمار، در راه برابری حقوق، و رهایی از بی عدالتی مبارزه کرده اید، و نقش تاریخی مهمی را در پیش برد مبارزات رهایی بخش خلق های میهن ما ایفاء کرده اید.

نقش فعال و حساس شما در انقلاب بهمن ۵۷، از شرکت در تظاهرات مردمی در مقابل تانک های رژیم شاهنشاهی تا حضور گسترده در سنگرهای نبرد مسلحانه، از جمله نمونه های درخشان این پیکار صد ساله است. با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، نه تنها گامی در راه تحقق حقوق زنان زجر دیده میهن ما برداشته نشد، بلکه مرتجعان تاریک اندیش، که زنان را «نصف مردان» و تنها «کالایی» برای خرید و فروش می پنداشتند، با حاکم کردن قوانین ضد انسانی و قرون وسطایی، نهاجم گسترده بی بر ضد جنبش زنان میهن ما و دست آوردهای آن آغاز کردند. با پاسازی وسیع دختران دانشجو، بیکار کردن صدها هزار زن از ادارات و موسسات دولتی و اعزام چاقو کشان و مزدوران حزب الهی برای تحمیل حجاب به زنان، تنها بخشی از اقدامات زن ستیزانه بی است که از سوی استبداد حاکم بر زنان میهن ما تحمیل شده است.

افزون بر این، در سال های اخیر، زندان های رژیم «ولایت فقیه»، هیچ گاه از زنان قهرمان و مبارز میهن ما خالی نبوده است. شکنجه های وحشیانه، شلاق با کابل های سیمی، تجاوز، و آن گاه اعدام، تنها بخشی از سیاستی است که رهبران رژیم ولایت فقیه بر مبارزان راه آزادی روا داشته اند.

زنان آزاده و مبارز!

دوم خرداد ۱۳۷۶، نقطه عطفی در مبارزات خلق های ما بر ضد استبداد قرون وسطایی حاکم بود. شما در کنار کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و میلیون ها شهروند دیگر با وجود همه تمهیدات و ترفندهای گونه گون حکومت مداران، به پای صندوق های رأی رفتید و در یک رفتارندوم تاریخی، نامزد انتخاباتی رژیم «ولایت فقیه» را که نماینده تاریک اندیشی، اسارت، استبداد و خصوصاً سیاست های زن ستیزانه ارتجاع بود، با شکست سنگینی روبه رو کردید. در طول سه سال گذشته، جنبش زنان میهن ما گام های بلندی در راه ارتقاء کیفی، سازمان دهی و انسجام خود برداشته است. برگزاری صدها مراسم بزرگداشت هشتم مارس در شهرهای مختلف، آن هم زیر سایه حکومتی که به کلی مخالف به رسمیت شناختن هرگونه حقوقی برای زنان است، شرکت تحسین برانگیز زنان کارگر و دختران دانشجو در حرکت های اعتراضی، که قیام دانشجویی ۱۸ تیرماه از نمونه های درخشان آن بود، شرکت هرچه فعال تر زنان نویسنده، روزنامه نگار و روشنفکر در فضای مطبوعاتی میهن، و پیکار تبلیغاتی

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

نگاهی به مبارزه نودساله زنان جهان و ایران پیکار قهرمانانه در رهایی از ستم جنسی، برای آزادی و عدالت اجتماعی

در صورت طلاق، مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهایی که در آن زندگی می‌کردند از جمله مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد. بررغم تمام این پیروزی‌ها، باید این نکته را نیز در نظر داشت که، زنان برای پیروزی کامل در رسیدن به حقوق کامل خود هنوز مبارزه بی‌دشوار و طولانی در پیش رودارند. هنوز در بسیاری از کشورها، زنان از دست‌یابی به ابتدایی‌ترین حقوق خود محرومند. امروز زنان بخصوص در کشورهای جهان سوم به وحشیانه‌ترین شکل ممکن مورد آزار جنسی و روحی قرار می‌گیرند و از دخالت در امور سیاسی جامعه‌ی بی‌که در آن زندگی می‌کنند محروم نگه داشته شده‌اند. طبق گزارش سازمان‌های بین‌المللی بی‌همچون یونسف، ۷۰ درصد انسان‌های فقیر در جهان را زنان تشکیل می‌دهند. دو سوم بیسوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند. ۱۰۰ میلیون دختر در جهان قربانی رسوم کهنه و پوسیده قرون وسطایی می‌گردند. در کشورهای آسیایی ۶۰ درصد، در آسیای جنوب شرقی ۴۵ درصد، در آفریقا ۲۰ درصد از زنان بر اثر عدم دسترسی به مواد غذایی لازم دچار کمبود وزن‌اند. استفاده‌ی زیرکانه از احساسات مذهبی مردم توسط مرتجعان در کشورهای گوناگون، بخصوص کشورهایی با بافت مذهبی، اثرات بسیار عمیقی را بر زندگی زنان در این کشورها برجا گذاشته است. ارتجاعیون به بهانه دفاع از اعتقادات مذهبی، سرکوب و وحشیانه زنان را توجیه کرده، و به اقدامات زن‌ستیزانه خود مشروعیت می‌بخشند. تسلیمه نسرین، نویسنده زن از کشور بنگلادش، که به دلیل حمایت از زنان کشور خودش مورد غضب مذهب‌پسندان قرار گرفت و مجبور به ترک کشور گردید، از جمله این نمونه‌هاست. وضعیت رقت‌بار زنان در کشور همسایه ما افغانستان، که از ابتدایی‌ترین حقوق محروم گردیده‌اند، وضعیت زنان در کشورهای عربستان و کویت، که حتی از رانندگی کردن و حق رای دادن هم محرومند، گوشه‌هایی دیگر از فجایعی است که بر زنان در همه نقاط جهان می‌رود.

مراسم روز هشتم مارس برای نخستین بار در ایران از سوی جمعیت «پیک سعادت نسوان» برگزار گردید. این جمعیت در سال ۱۳۰۱ شمسی، توسط عده‌ی از زنان روشنفکر شهر رشت، بنیان گذاشته شد. این جمعیت با تأسیس مدرسه‌ی بی‌به نام «پیک سعادت» و نشریه‌ی بی‌به همین نام، خدمات مهمی در جهت بالا بردن سطح آگاهی زنان انجام داد. جمعیت دیگری به نام «بیداری زنان»، که در سال ۱۳۰۵ شمسی، به همت تنی چند از زنان مبارز تأسیس شده بود، نیز اقدام به برگزاری روز بین‌المللی زنان کرد. در این روز ضمن به روی صحنه آوردن نمایشنامه‌ای به نام «دختر قربانی» از سوی جمعیت «بیداری زنان»، تاریخچه روز ۸ مارس و اهمیت بین‌المللی آن شرح داده شد. قبل از آن، زنان مبارز میهنمان برای شرکت در مبارزه با توجه به محدودیت‌هایی که در جامعه آن روزی ایران وجود داشت، از هر فرصتی استفاده کرده و نقش مهم خویش را در امور اجتماعی و سیاسی به اثبات رساندند. زنان، در جریان جنبش تنباکو، از اندرونی‌ها بیرون آمده و همراه با دیگر قشرهای مردم با اعتراض به قرارداد ننگین رژی، ناصرالدین شاه قاجار را وادار به عقب‌نشینی و لغو قرارداد کردند. زنان، در سال ۱۹۰۶، با حمله به کالسکه مظفرالدین شاه، در اعتراض به گرانی و در سال ۱۹۱۵ با تظاهرات وسیع بر ضد اولتیماتوم دولت روسیه تزاری، بار دیگر نشان دادند که بررغم تنگناهای موجود و تحمیل شده به آنها دارای چه نقش کلیدی هستند. فعالیت مبارزاتی زنان ایران در سال‌های نهضت مشروطه نیز دارای اهمیت است. در این دوره زنان دوشادوش مردان برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به مبارزه پرداختند. در دوران سیاه سلطه رژیم پهلوی زنان ایران همپای مردان مبارزه کردند و جنبش زنان همراه با جنبش وسیع دمکراتیک مردم ایران سال‌ها گسترش یافته و زنان میهن‌مان در مبارزه با دربار و ارتجاع حاکم به زندان افتادند و زیر شکنجه جان دادند. شرکت زنان در جنبش دمکراتیک آذربایجان و کردستان، شرکت در جنبش ملی شدن صنعت نفت، شرکت فعال زنان در تظاهرات و اعتصابات کارگری، نظیر اعتصاب کارگران کوره پزخانه تهران در سال ۱۳۳۸، شرکت رو به رشد زنان در مبارزات سیاسی برضد رژیم وابسته شاه در قالب سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی، مخفی و غیرمخفی آن دوران، شرکت گسترده و تعیین‌کننده زنان در جریان تظاهرات بر علیه رژیم شاه که منجر به انقلاب شکوهمند ۱۳۵۷ گردید، گوشه‌های دیگر از رمی بی‌امان زن ایرانی همراه با دیگر قشرهای پیکارجوی مردم است. حکومت پهلوی، همواره ادعا داشت و بازماندگان آن در خارج از کشور هم اکنون نیز ادعا می‌کنند که در آن دوران به زنان حقوق سیاسی و

امسال، نود سال از نخستین برگزاری روز جهانی زن می‌گذرد. اهمیت روز جهانی زن امسال، به این دلیل است که مدت زیادی نمی‌گذرد که بشریت وارد هزاره جدید گردیده است. قرن جدید را باید از آن جهت پر اهمیت دانست که، همراه با پیشرفت تکنولوژی، انسان راه طولانی گذشته برای نیل به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی را همچنان بدون وقفه ادامه می‌دهد. در این راه سخت و دشوار زنان در همه نقاط جهان همان‌طور که در صف مقدم استعمار شونده‌گان قرار داشتند، به همان میزان با شرکت در جنبش‌های مردمی برای دستیابی به حقوقه‌حقه خود و دیگران نقشی ارزنده و تعیین‌کننده را ایفاء کرده و می‌کنند.

نخستین بار، در ۸ مارس ۱۸۵۷ میلادی، زنان کارگر با فنده آمریکا، در شهر نیویورک طی تظاهرات و اجتماعاتی، خواستار افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار روزانه شدند. خواسته‌های برحق این کارگران از سوی دستگاه دولتی سرمایه‌داران با گلوله پاسخ داده شد که در جریان این هجوم تعدادی از زنان کارگر کشته و عده زیادی دستگیر و زندانی شدند. خاطره این جنایت هیچ‌گاه از تاریخ مبارزات زحمتکش‌ان جهان زوده نخواهد شد. در سال ۱۹۱۰ میلادی، در شهر کپنهاک، در جریان کنفرانس زنان سوسیالیست، «کلاراستکین»، یکی از رهبران برجسته جنبش کارگری آلمان و یکی از بنیان‌گذاران «حزب کمونیست آلمان»، پیشنهاد کرد که، روز ۸ مارس به عنوان «روز بین‌المللی زنان» اعلام شود. پس از تصویب این پیشنهاد در کنفرانس، یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۱، برای نخستین بار، سالگرد ۸ مارس در کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس و دانمارک برگزار شد. در آن سال، زنان ضمن برپا کردن اجتماعاتی، خواسته‌هایی از قبیل شرکت در انتخابات، حق کار، حق آموزش و حق تخصص را مطرح کردند. در بسیاری از کشورها، زنان خواستار تغییراتی در قانون مدنی و تأمین حقوق برابر با مردان در همه زمینه‌های اجتماعی شدند. اما در برخی از کشورها، این خواسته‌های برحق زنان را وارونه جلوه دادند، و مبارزات برحق آنان را ضد مردان وانمود کردند. این برخورد نادرست، زنان را برای مبارزه در راه احقاق حقوق خود بیگیرتر کرد. کلارا استکین در یکی از سخنرانی‌های خود، در سال ۱۸۹۶ میلادی، در این باره گفت: «زنان و دختران متعلق به قشرهای خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط، هر روز بیشتر از خانه به اجتماع رانده می‌شوند تا بتوانند هم نان روزانه خود را تأمین کنند و هم به معلومات خود بیفزایند. این حرکت و این خواست آنان تضادی میان زنان و مردان بورژوازی متوسط و روشنفکران ایجاد کرده است. رقابت زنان در به دست آوردن مشاغل آزاد، در واقع محرک مقاومت مردان در برابر خواست بورژوازی حقوق زن است. این نبرد توأم با رقابت، زنان این قشر را وادار می‌کند تا حق سیاسی خود را طلب کنند. در این جریان، زن دیگر از عروسک بودن و در «خانه عروسک‌ها» زندگی کردن خسته می‌شود. او می‌خواهد سهم بسزایی در پیشرفت فرهنگی عصر خود داشته باشد. در مورد وضع زن پرولتاریایی، سرمایه‌داران استعمارکننده همواره برآندند که ارزانترین نیروی کار را به دست آورند و وجود توده زن، این خواست را برآورده کرده است. به این ترتیب زن پرولتاریایی به جریان حرکت چرخ زندگی اقتصادی امروزی کشیده می‌شود و به همین جهت مبارزه آزادی خواهانه زنان پرولتاریایی نمی‌تواند همانند مبارزه زنان بورژوازی در برابر مردان هم طبقه خود باشد، بلکه این مبارزه بی‌است که او همراه مرد هم طبقه خود برضد سرمایه داری آغاز می‌کند. زن پرولتاریایی دست در دست مرد هم طبقه اش با نظام سرمایه داری مبارزه می‌کند.»

با تعمیق و گسترش مبارزات زنان، آنها موفق شدند گام به گام و در طی سالیان متمادی به موفقیت‌های بزرگ و برگشت‌ناپذیری بخصوص در جوامع پیشرفته سرمایه داری دست یابند. برای اولین بار زنان در نیوزلند دارای حق رای شدند و زنان در کشورهای استرالیا، فنلاند و نروژ قبل از جنگ جهانی اول این حق را به دست آوردند. شوروی در سال ۱۹۱۷، آلمان در ۱۹۱۸، انگلستان در ۱۹۱۹، آمریکا در ۱۹۲۰، ایتالیا و فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای بودند که زنان در آنها به این موفقیت نائل آمدند. به دنبال این موفقیت، زنان با شرکت در دیگر عرصه‌های مبارزه توانستند موفقیت‌های بیشتری را کسب کنند که در مقایسه با گذشته گامی عظیم به جلو بود. حق اشتغال، دستمزد برابر با مردان، مرخصی دوران بارداری، حق طلاق، حق نگهداری (حضانت) از فرزند

ادامهٔ پیکار قهرمانانه ...

اجتماعی داده شد. در زمان حکومت پهلوی، هیات حاکمه وقت هر ساله ۱۷ دی ماه (۱۳۱۴) را به عنوان روز «کشف حجاب» و «آزادی زن» اعلام می کرد، اما واقعیت چیز دیگری بود. در زمان رضا شاه با ورود صنایع جدید و نیاز به نیروی کار ارزان زنان، حجاب که سرتاپای زن را می پوشاند و برای کار با ماشین وسیله بی دست و پاگیر محسوب می شد، هیئت حاکمه وقت را به این فکر واداشت که با برنامه «کشف حجاب اجباری» در واقع زنان را به استثمار بیشتر وادارند. این ادعای دروغ وقتی آشکار می شود که در تمامی طول دوران حکومت پهلوی زنان نتوانستند در هیچ عرصه بی به جایگاه شایسته ای که مستحق آن بودند برسند. قوانین موجود در آن دوران، چه در عرصه اجتماعی و چه در دیگر عرصه ها، ناقص حقوق اولیه زنان میهن مان بود. دستاوردهای آن دوران را هم باید ناشی از مبارزات پیگیر زنان در آن دوران دانست. حضور گسترده و میلیونی زنان برای سرنگونی رژیم پهلوی خود گواه گویایی از این واقعیت است که رژیم در مانده پهلوی در طول حیات خود، دارای چه ماهیت زن ستیزانه بی بوده است.

حزب توده ایران، از اولین سازمان های سیاسی ایران است که به اهمیت نقش زنان در مبارزات سیاسی تاکید داشته و همواره زنان مبارز بسیاری را در صفوف خود پرورش داده است. این افتخاری برای حزب توده ایران بوده و خواهد بود، که از بدو تأسیس تاکنون زن ها را به مبارزه دعوت کرد است، به آنها با دیده احترام نگریسته و آنان را با مردان برابر شمرده است. در آن زمان قانون اساسی ایران زنان را در ردیف مجانین و صغار قرار داده بود، آنها را ناقص العقل می نامیدند و وسیله زائیدن و ارضاء شهوات بودند. وقتی برای اولین بار شماری از زنان با ناباوری، به صفوف حزب روی آوردند و کوشیدند با محک تجربه آن را بیازمایند، به این نتیجه رسیدند که با استقبال از فراخوان حزب، راه رسیدن به حقوق خود را برگزیده اند. در نخستین کنگره حزب توده ایران به تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۲۳، گروهی از زنان به قصد تسلیم پیام تبریک شرکت کردند. زنان شرکت کننده علاوه بر خواندن پیام تبریک خود از تریبون کنگره، خواست های خود را هم عرضه داشتند. این نخستین بار در تاریخ مبارزات ایران بود که در جلسه بی رسمی زنان آزادانه توانستند خواست های خود را مطرح سازند، و این افتخار متعلق به حزب توده ایران است. زنان که دیگر به عضویت حزب توده ایران در آمده بودند، به چشم خود می دیدند که در جلسات حزبی، مانند دیگر اعضای می توانند اظهار نظر کنند، به بحث بپردازند و نظر دست خود را بقبولانند. حزب توده ایران، علاوه بر پذیرفتن عضویت زنان، مسئولیت هم به آنها محول کرد. زنان در حزب توده ایران ضمن داشتن حق مسئولیت مساوی، در همه جا پا به پای مردان به مبارزه می پرداختند. حزب توده ایران از آغاز کار برای زن این شخصیت را قائل بود که بتواند به عنوان عضو موثر جامعه در همه کارها شرکت داشته باشد و این برنامه را در برابر خود قرار داد که زنان باید خود به این اصل پی ببرند. تا زنان در جامعه همانند مردان در همه امور شرکت نکنند، جامعه به پیش نخواهد رفت. حزب توده ایران دفاع از حقوق زن را وظیفه جدی خود دانسته و می داند و در این خصوص در همه جا پیشتاز بوده و است.

انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، باید پیروزی خود را بحق مدیون شرکت گسترده زنان بدانند. زنان آزاده میهن مان که در طول پنجاه سال حکومت فاسد پهلوی، که تحت عنوان های عوام فریبانه، ادعا می شد ارزش انسانی به آنها داده شده است، ولی در واقع از آنها به عنوان موجوداتی برای استثمار بیشتر در قالب های گوناگون استفاده می شد، امیدوار بودند که بعد از پیروزی انقلاب، به پاس نقش تعیین کننده شان در پیروزی انقلاب، به خواست های سرکوب شده آنها رسیدگی شود. رژیم ولایت فقیه از همان آغاز برغم وعده های داده شده، تعرض به حقوق زنان را در دستور کار خود قرار داد. هر چند این تعرض در اوایل، به دلیل حضور نیروهای سیاسی و جو نسبتاً آزاد با دشواری هایی روبرو شد اما به دنبال سرکوب، اعدام، به زندان انداختن مخالفان دگر اندیش و قلع و قمع نیروهای سیاسی که جو رعب و وحشت را به دنبال داشت، رژیم ولایت فقیه برنامه های زن ستیزانه خود را مرحله به مرحله به اجرا گذاشت. طی این دوران، زنان آزاده میهن با یکی از وحشتناک ترین تجربیات تاریخی خود مواجه گردیدند. رژیم ولایت فقیه، با یورش به تمامی دستاوردهای زنان، نه تنها سیمای کریه زن ستیز خود را نمایان ساخت، بلکه با تصویب قوانین قرون وسطایی جدید عملاً زنان را وادار می ساخت تا به اراده حکومتگران زن ستیز تمکین کنند. رژیم ولایت فقیه با تمسک به اسلامی بودن جامعه، حجاب اجباری را به زنان تحمیل کرد. رژیم با وضع قوانین جدید، تهدید به اخراج زنان از محل های کارشان و با استفاده از مزدوران سیاه کار و دسته های اوباش حزب اللهی این خواسته خود را به جامعه تحمیل کرد. رژیم ولایت فقیه به معمول ساختن احکام واپس مانده قرون وسطایی به طور آشکار برداشت خود نسبت به زنان را کاملاً برملا ساخت. در این قانون زنان به عنوان موجوداتی بی ارزش و درجه چندم که حتی از نظر حق حیات نصف مردان حساب می شوند، تعریف شده اند. در حالی که سخنان سردمداران مرتجع حاکم بر میهن مان از زنان به عنوان کسانی که باید نقش اصلی را در تربیت فرزندان به عهده داشته باشند، سخن می گویند، حتی در همین عرصه قوانین وضع شده سیمای زن ستیزی دارد. بر اساس این مصوبات، به حقوق والای

مادری بی حرمتی می شود. علاوه بر تصویب چنین قانون های ارتجاعی بی، فشارهای اجتماعی گوناگون بر زنان از بعد از استقرار جمهوری اسلامی وجود داشته است. اذیت و آزار زنان در معابر عمومی، محدودیت های توأم با خشونت در مورد نوع لباس پوشیدن، نوع حجاب، آرایش، تعیین نوع شغل و محدود کردن زنان در بعضی از مشاغل، جدا سازی زنان و مردان در کلاس های درس دانشگاهی، وسایل نقلیه عمومی و جز اینها از مواردی است که می توان به آن اشاره کرد. آخرین یورش وسیع ارتجاع به حقوق زنان را باید ارائه و تصویب طرح جدا سازی خدمات درمانی بر اساس جنسیت دانست. در پی این طرح ضد انسانی و عمیقاً ارتجاعی بسیاری از بیمارستان های کشور عملاً به دلیل کمبود و یا عدم وجود پزشک زن از ارائه خدمات درمانی به زنان محروم می شدند و خطرات جدی بیماران زن را می توانست تهدید کند. روزنامه «جامعه امروز»، چهارشنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۷۸، در گزارشی پیرامون اجرای این طرح ضد انسانی در شهر قم از جمله می نویسد: «با اجرای طرح انطباق خدمات درمانی بزرگ ترین و شلوغ ترین بیمارستان قم دچار مشکل کمبود مریض شد». بر اساس همین گزارش، «انجمن اسلامی پزشکان ایرانی مطرح می کند که چرا بیمارستانی با ظرفیت ۶۰۰ تخت باید با ظرفیتی در حدود ۵۰ تا ۶۰ تخت فعالیت کند در حالی که تنها مرکز درمانی اورژانس قم به علت مراجعات بیش از ظرفیت پذیرش گاهی بیماران در راهروهای بخش ها بستری می شوند؟» این طرح همچنان دختران دانشجویی دانشگاه از دسترسی به بیماران و کسب تجربه عملی محروم شده اند و در این زمینه اعتراض های گسترده بی در دانشگاه های مختلف کشور سازمان دهی شده است. به عنوان نمونه در همان شهر قم، بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه در اعتراض به این طرح در دانشگاه خود تحصن کردند. طرح عدم استفاده تصویری از زنان نیز گام دیگر مرتجعان حاکم در راه محدود کردن حقوق زنان بود که همگی با مخالفت و مبارزه سرسختانه زنان میهن ما روبه روشد.

رژیم ولایت فقیه، قصد داشت با ایجاد چنین محدودیت هایی و فشار بر زنان، عملاً آنها را از صحنه سیاسی ایران خارج ساخته و به اهداف ضد ملی خویش جامعه عمل بپوشاند. اما زنان مبارز میهن مان که دوران دشوار و طولانی مبارزه را طی سالیان متمادی تجربه کرده و از آن سربلند بیرون آمده اند، این بار هم با مقاومتی ستودنی رژیم را وادار به عقب نشینی هایی کردند. هر چند قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ زنان، به صورت های مختلف، مخالفت خود را نسبت به این اقدامات ابراز کرده بودند اما اوج مخالفت آنها را باید در جریان انتخابات دوم خرداد ۷۶ جستجو کرد. زنان میهن مان که تجربه سال ها سرکوب رژیم ولایت فقیه را تجربه کرده بودند، با استفاده از روزنه ایجاد شده، با شرکت گسترده خود در انتخابات و به عنوان مخالفت با سیاست های ارتجاعی سردمداران ذوب در ولایت، برگ زرین دیگری از مبارزات زنان را رقم زدند. تغییرات نسبی در صحنه سیاسی ایران، بعد از دوم خرداد که توجه به مسائل زنان از آن جمله است و شرکت و فعالیت گسترده زنان در جریان انتخابات شوراهای شهر و روستا و همچنین انتخابات اخیر مجلس ششم از نمونه های بارز آن می باشد، نشانی است از شکست برنامه هایی که هدف آن حذف زنان از صحنه سیاسی اجتماعی ایران بود.

جنبش زنان میهن ما با استفاده از روزنه ایجاد شده فرصت آن را یافته است تا بار دیگر به سازمان دهی و ارتقاء کیفی خود بپردازد. برگزاری وسیع جشن هشتم مارس در سراسر ایران، اقدام به چاپ و پخش وسیع کارت تبریک هشتم مارس در سطح جامعه و برای نخستین بار انتشار تقویمی که به تاریخچه مبارزاتی زنان مترقی و پیشروی میهن ما اختصاص یافته است از سطح بسیار بالای آگاهی و تلاش تحسین برانگیز زنان در سازمان دهی مبارزات خویش حکایت دارد. نبود سازمان های مستقل صنفی زنان از جمله ضعف های جدی است که زنان میهن ما در راه جبران آن تلاش می کنند. در سال های اخیر ما همچنین شاهد نقش روز افزون زنان نویسنده، روزنامه نگار و روشنفکر در کارزار روشنگری و افشای سیاست های ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» هستیم. نقش درخشان دختران دانشجو در جنبش دانشجویی کشور و زنان کارگر در اعتراض های وسیع و گسترش یابنده کارگری در گوشه و کنار کشور، حکایت از بالندگی و رشد سریع جنبش زنان در تحولات اجتماعی - سیاسی کشور است. این جنبش در پیوند نزدیک و تنگاتنگ با سایر گردان های خلق است که می تواند در راه تحقق خواست های بی حق خود گام های بلندی را بردارد.

امسال نیز ما در حالی ۸ مارس را جشن می گیریم که زنان رزمنده میهن مان، همچنان با دشواری ها و مشکلات عدیده ای مواجه هستند. مبارزه برای رهای زنان از زنجیرهای استبدادی و قرون وسطایی، همچنان یکی از مهم ترین عرصه های پیکار اجتماعی و سیاسی می باشد که علیه رژیم «ولایت فقیه» در کشور ما در جریان است. حزب توده ایران به عنوان نخستین حزب سیاسی کشور که پرچم مبارزه در راه احقاق حقوق زنان را به اهتزاز در آورد، وظیفه خود می داند که در راه تحقق این آرمان های والای انسانی، در کنار زنان ایران به این مبارزه ادامه

ادامهٔ بیانیه تحلیلی کارگران صنوف و کارخانجات ...

دیگر مجلس ششم به شمار می رود. به هر صورت انتظارات مردم از نمایندگان منتخب خویش باید در راس امور و برنامه های مجلس قرار بگیرد. در کنار توسعه سیاسی که محور برنامه دولت آقای خاتمی است توسعه اقتصادی همسو با خواست و نیازهای ملی و مطابق با توسعه واقعی عدالت اجتماعی از طریق مهار نرخ تورم کنترل و نظارت بر فعالیت سرمایه داری بزرگ تجاری و توزیع عادلانه ثروت از طریق رونق بخشیدن به فعالیت بخش های تعاونی و دولتی و زدودن فقر اقتصادی و توجه به خواست های کارگران و حقوق صنفی آنان از وظایف مهم مجلس ششم و دولت آقای خاتمی به شمار می رود.

البته نباید خوش بین بود و انتظار داشت که مجلس ششم بلافاصله شروع به فعالیت در جهت خواست های مردم بکند زیرا هنوز جناح راست حاکمیت اهرم های اساسی قدرت نظیر شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و نیروهای انتظامی را در اختیار دارد و از این طریق و قدرت مافیایی اقتصادی بازار می تواند همانند سدی در مقابل برنامه اصلاحات عمل کند. اما می توان انتظار داشت که دولت و مجلس از اختیارات و قدرت خویش استفاده کنند و با قاطعیت به خواست های مردم که هنوز پس از گذشت قریب به سه سال از دوم خرداد به آنها عمل نشده پاسخ داد. ما کارگران با حفظ مواضع انتقادی خود نسبت به نمایندگان دوم خرداد و توجه بیش از پیش به وعده هایی که تاکنون عمل نشده در مبارزه صنفی نیز مشارکت خواهیم داشت. خواست های صنفی که در بیانیه تحلیلی کارگران صنوف و صنعتی به آنها اشاره شد از قبیل مبارزه برای بالا بردن حقوق کارگران متناسب با رشد نرخ تورم، مبارزه در جهت احیاء و تشکیل سندیکا به منزله سازمان صنفی مستقل کارگران مبارزه با واگذاری بخش های کلیدی اقتصاد به بخش خصوصی در چارچوب برنامه جهانی شدن سرمایه که باعث افزایش فقر و انباشت غول آسای سرمایه می شود و ... در مرکز برنامه مبارزاتی ما کارگران قرار دارد.

مبارزه صنفی صرفنظر از دیدگاه ها و گرایش های سیاسی که هم می تواند در پیوند با یکدیگر و در کنار هم و مجزا از هم به پیش رود تحت هیچ شرایطی نباید فراموش گردد. تردیدی نباید داشت که نظام اقتصادی حاکم بر جامعه ما نظامی است مبتنی بر سرمایه سالاری. در روبروی سیاسی کشورمان وجود نیروهای ملی مذهبی مترقی مانع از آن نمی شود که کارگران نسبت به مصائب و پی آمدهای زیانبار اقتصاد افسار گسیخته سرمایه داری که فقر، بیکاری، فساد اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی از آثار مخرب این نظام به شمار می رود، چشم پوشید. نکته مهم دیگری که کارگران و زحمت کشان باید به آن توجه کنند، ضعف و معضل جنبش کارگری است در عرصه مبارزه صنفی تلاش و کوشش کارگران آگاه و مجرب بیشترین تاثیر را خواهد داشت. در حال حاضر جابجایی نسل ها با کناره گیری نسل های پیشین طبقه کارگری که دارای صلاحیت و تجارب بسیاری از مبارزه بودند و به صحنه آمدن کارگران نسل جدید که فاقد آموزش در امور صنفی سندیکایی می باشند.

کار و فعالیت در صفوف کارگران بسیار دشوار گردیده است. به ویژه شرایط اختناق و حذف سندیکاها که می توانست محل آموزش و انتقال تجربه به نسل جدید کارگران باشد بر مشکلات جنبش کارگری می افزاید. وظیفه ما کارگران آگاه ساختن کارگران در بخش های مختلف نسبت به حقوق صنفی اقتصادی و سیاسی آنان است. بردن آگاهی در صفوف کارگران به طرق مختلف مانند بحث و گفتگو با آنان، ترویج و تبلیغ نظریات سندیکایی و یا تکثیر اخبار و اطلاعات مربوط به کارگران و ایجاد نشریه یا بولتن خبری امکان پذیر است. اکنون در میان مجموعه روزنامه های وابسته به دوم خرداد که عمدتاً به مسائل سیاسی روز می پردازند عدم وجود نشریه یا ارگان کارگری کاملاً حس می شود. آنچه در اوضاع پر آشوب سیاسی جامعه ما از نظرها پنهان مانده وجود نشریه مستقل کارگری است. آیا می توان این خلاء را پر کرد؟ این سوالی است که کارگران آگاه و پیشرو باید به آن پاسخ دهند. آنچه عملکرد سیاسی کارگران را تکمیل خواهد کرد عمل به وظایف صنفی است. نباید یکی دیگری را در سایه قرار دهد.

سیاست در تمام عرصه های زندگی ما وجود دارد. و ما در فضای به شدت سیاسی جامعه هیچوقت از مسائل سیاسی دور نبوده ایم. (نمونه آن شرکت در انتخابات) اما در امور صنفی و مبارزه سندیکایی سال هاست دچار رکود شده ایم. وظیفه ماست که با تلاش بی وقفه خود روح تازه ای در کالبد مبارزات صنفی و مطالباتی کارگران ایجاد کنیم. شرایطی که دوم خرداد و پس از آن انتخابات بیست و نهم بهمین به وجود آورده است روند دموکراسی و آزادی های اجتماعی سیاسی را علی رغم مخالفت عوامل داخلی و خارجی به روندی برگشت ناپذیر مبدل کرده است. فضای کنونی قطعاً با فضای قبل از دوم خرداد متفاوت است. در چنین فضایی نباید منتظر بود تا مطالبات و خواسته های کارگران را به آنها تقدیم کنند. و یا توقع داشت که دولت دستور تشکیل سندیکاها را صادر کند. در چنین شرایطی کارگران و زحمتکشانی می توانند ابتکار عمل را خود به دست گیرند و با مبارزه قانونی در چارچوب خواست های صنفی خویش گام بردارند.

یکی از عرصه های اصلی مبارزه، درخواست طبقه کارگر کشور ما از دولت و مجلس، تصویب طرح یا لایحه ای است که سندیکا یا اتحادیه مستقل کارگران بر اساس آن تشکیل گردد. کارگران و زحمتکشانی را می توان حول محور تشکیل سندیکاها مستقل مجهز کرد. تا به این خواست قانونی دست یابد.

پیش به سوی احیاء و تشکیل سندیکاها و شوراهای کارگری کارگران صنوف و کارخانجات صنعتی تهران
مورخ ۷۸/۱۲/۸

امپریالیسم انگلیس و صلح در ایرلند شمالی

دولت انگلستان، با منحل کردن مجلس «استورمونت»، و ساختار اداره خود مختاری در ایرلند شمالی، که عمر چندانی از آن نمی گذرد، روند صلح در این بخش از خاک ایرلند را، که تحت اشغال انگلیس است، متوقف کرد.

روند صلح پس از چندین سال مذاکرات دشوار پشت پرده و همچنین میانجی گری برخی سیاستمداران انگلیسی-آمریکایی-آفریقای جنوبی و همچنین دولت جمهوری ایرلند جنوبی-دوسال پیش به توافق موسوم به «گودفرایدی» (جمعه خوب) منجر شده بود. در دو سال گذشته، جنگ داخلی بین ارتش جمهوری خواه ایرلند و جمهوری خواهان از یک سو و نیروهای تروریستی طرفدار وحدت ایرلند شمالی با انگلستان، عملاً متوقف شده بود. بر اساس نتایج انتخاباتی که نزدیک به یک سال پیش انجام گرفت، نمایندگان نیروهای اصلی درگیر در ساختار اداری ایرلند شمالی خود مختار، حضور یافتند و امید می رفت که با گسترش روند صلح و بیرون کشیدن نیروهای نظامی انگلستان از این منطقه شرایط خلع سلاح نیروهای مسلح و گروه های تروریستی غیر مجاز انجام پذیر گردد.

با اقدام پیتر مندلسون، وزیر مسئول امور ایرلند شمالی در دولت انگلیس، مبنی بر انحلال تمامی ساختارهای برآمده از توافق «گود فرایدی» - جنگ و خونریزی عملاً به ایرلند شمالی بازمی گردد. پیتر مندلسون، در حقیقت برای خوش خدمتی به نیروهای ارتجاعی طرفدار وحدت، و بخصوص دیوید تریمبل، رهبر «حزب وحدت طلبان اولستر»، که از سوی طرفداران خود و نیز مخالفان خود مختاری ایرلند شمالی، زیر فشار قرار داشت، به چنین اقدامی دست زد. ارتش جمهوری خواه ایرلند و حزب «شین فین»، که در واقع به مثابه شاخه غیر نظامی جمهوری خواهان عمل می کند، به شدت عمل دولت انگلیس را تقبیح کردند.

ارتش جمهوری خواهان که در آخرین لحظات، با پیشنهاد متهورانه ای در رابطه با خلع سلاح سعی به جلوگیری از بحران کرده بود، در مقابله با کارشکنی دولت انگلیس در روند صلح از طریق مذاکره، همکاری های خود با کمیسیون مسئول خلع سلاح را متوقف کرده است. بیانیه ارتش جمهوری خواهان مسئولیت تخریب روند صلح را به دوش نبره هایی گذاشت که، اصرار می ورزیدند تا این روند را به از دور خارج شدن «تفنگ های خاموش ارتش آزادی خواهان ایرلند» مشروط سازند. دولت انگلیس و نیروهای وحدت طلب سعی داشتند پیروزی بی را که در جریان ۳۰ سال جنگ داخلی موفق به کسب آن نشده بودند، از طریق روند صلح کسب کنند. نیروهای میانه رو جمهوری خواه، شدت از موضع دولت انگلیس و افراطیون وحدت طلب انتقاد کرده اند. جان هیوم، رهبر حزب سوسیال دموکراتیک ایرلند، و برنده جایزه صلح نوبل برای کوشش هایش در ایجاد شرایط صلح در ایرلند، در سخنانی در روز ۵ اسفند گفت که، به نظر او ارتش جمهوری خواه ایرلند هنوز به روند صلح معتقد است و بنابراین خواستار اعاده ساختارهای خود مختاری شد.

جان هیوم، بیانیه ارتش جمهوری خواه ایرلند مبنی بر این که تفنگ های آن خاموش مانده و هیچ خطری از جانب آنها متوجه روند صلح نخواهد بود، برای پیشبرد مذاکرات کافی دانست. او گفت: «این بیانیه بسیار روشنی است و طریق دیگر برای بیان این است که جنگ پایان پذیرفته است. این هم راه مناسب دیگری برای خارج کردن سلاح از جریان است.»



اعتصاب در دفاع از اشتغال

کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی (Cosatu)، در روز ۳ اسفند ماه، اخطار کرد که در اعتراض به اخراج وسیع کارگران در تدارک یک اعتصاب عمومی یک روزه است. «شورای ملی توسعه اقتصادی و نیروی کار» اعلام کرد: «اقدام اعتراضی شکل دست کشیدن از کار به مدت ۲۴ ساعت را در روز ۲۰ اردیبهشت خواهد گرفت. کوساتو در تدارک سازمان دادن، راهپیمایی ها و تظاهراتی در طول مدت اعتصاب است.»

«شورای ملی توسعه اقتصادی و نیروی کار» خاطر نشان ساخت که کوساتو در نظر دارد از روز ۶ ماه مارس اقدامات اعتراضی منطقه ای را سازمان دهد، به طوری که هر کدام از مناطق ۹ گانه کشور یک هفته اقدامات اعتراضی خواهند داشت. کوساتو از میزان کاهش اشتغال و بیکار شدن کارگران در آفریقای جنوبی ناراضی است. در طول شش سال اخیر، نیم میلیون فرصت کاری از بین رفته است.

جنیفر ویلسون، سخنگوی «شورای ملی توسعه...» گفت که، دولت و کارفرمایان هنوز می توانند با خواستار شدن ادامه گفتگوها برای متوقف کردن اعتصاب، از دادگاه کار خواستار فرجام شوند. او گفت: «هم دولت و هم کارفرمایان معتقدند که بحث ها در شورای ملی توسعه اقتصادی و نیروی کار ادامه یابد.»

پیروزی کمونیست ها در قریزستان

در انتخابات پارلمانی که در روز ۲ اسفند ماه انجام شد، حزب کمونیست قریزستان، با کسب بیش از ۲۸ درصد آرا، بر احزاب دست راستی طرفدار دولت پیشی گرفت. حزب طرفدار دولت، اتحادیه نیروهای دموکراتیک ۱۷ درصد آرا، حزب دموکراتیک زنان ۱۳ درصد و حزب سربازان خدمت کرده در افغانستان ۹ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. این جمهوری کوهستانی، که با چین هم مرز است، وسیعا به وام دهندگان غربی که از عسگر آقايوف، رئیس جمهور مستبد این کشور حمایت می کنند، بدهکار است.

قریزستان از واشنگتن، حمایتگر غربی خود حمایت استراتژیک دریافت می کند. بیش از ۴۰۰ کانیدید بر سر ۴۵ کرسی در دو مجلس قانونگذاری (مجلس سنا) و مجلس خلقی (پارلمان) با هم رقابت کردند. ۱۳۴ کانیدید دیگر بر سر ۱۵ کرسی مجلس قانونگذاری که بین احزاب سیاسی تقسیم می شود، رقابت کردند.

این اولین بار در نه سال اخیر است که احزاب امکان شرکت در انتخابات پارلمانی را پیدا کرده اند.

حیات خلوت امپریالیست ها

کریس پاتن، مسئول امور خارجی کمیسیون اروپا، در اولین اجلاس مشترک اعضای پارلمان اروپا و نمایندگان مجلس ناتو، صراحتا به ایالات متحده اخطار کرد که، اروپای شرقی «در حیات خلوت ماست.» او گفت که، اتحادیه اروپا در صدد است که تمایلات اقتصادی و سیاسی خود را پایک ارتش اروپایی مناسب تقویت کند، و اضافه کرد: «برخی از دوستان آمریکایی ما نمی دانند که بخندند و یا گریه کنند.» تلاش پاتن متوجه پاسخگویی به سئوالاتی بود که از سوی واشنگتن و آن کشورهای عضو ناتو که در اتحادیه اروپا قرار ندارند، مطرح شده بود. سئوال عمده این بود که اتحادیه اروپا اگر در رقابت با ناتو نیست، چرا خواهان توان نظامی برای عمل مستقل است.

پاتن در جواب گفت: «پاسخ این است که، در شرایط بین المللی پس از جنگ سرد، شرکای ماورا آتلانتیک ما، [یعنی ایالات متحده و کانادا] خواستار مداخله در همه بحران های منطقه ای در قاره اروپا نیستند. این حیات خلوت ماست و نه آنها.»

اجلاس مشترک مزبور، بخشی از طرح ایجاد مکانیزم های هماهنگی بین اتحادیه اروپا و ناتو است که مرکز هر دو در بروکسل قرار دارد. خاور روبرتر، رئیس مجلس نمایندگان ناتو، ضمن اظهار تعجب از عدم مکانیزم های رسمی و ساختاری بین این دو ارگان امپریالیستی فاش کرد که، هر ماه دولجلسه تبادل نظر بین خاور سولانا، دبیر کل پیشین ناتو و مسئول سیاستگذاری دفاعی خارجی اتحادیه اروپا، و جورج رابرتسون دبیر کل فعلی ناتو صورت می گیرد ولی هیچگونه اطلاعاتی از دستور کار جلسه ندارد. روبرتر اضافه کرد: «ارتباط اتحادیه اروپا-ناتو اکنون اهمیت حیاتی دارد. ... ما در مجلس نمایندگان ناتو، در حال ایجاد آن در سطح مجالس هستیم.» اظهارات روبرتر در حقیقت کوششی دیگر در جهت کاهش نقش دولت های اروپایی در تصمیم گیری های مهم بین المللی، و در عوض، انتقال چنین تصمیم گیری هایی به بروکسل و به نهادهای فراملی اتحادیه اروپا است. بر اساس طرح های در دست مطالعه یک گروه از نمایندگان پارلمانی، اتحادیه اروپا در اجلاس های ناتو شرکت خواهد کرد، و در مقابل، نمایندگان پارلمانی کشورهای ناتو در جلسات سه ماه یکبار کمیته های سیاست گذاری امور خارجی و دفاعی پارلمان اروپا شرکت خواهند کرد.

کریس پاتن اظهار داشت که، جنگ در بالکان - در بوسنی و در کوسوو- این ضرورت را ایجاد می کند که اتحادیه اروپا قدرت نظامی بیشتری داشته باشد تا خواست های خود را اعمال کند: «ما بدون دلیل چنین راهی را در پیش نگرفته ایم. ما شاهد این بوده ایم که اتحادیه اروپا کجا کم آورده است. ما این را وظیفه خود می دانیم که بهتر عمل کنیم.»

آمریکا و نفت آذربایجان

در جریان ملاقات حیدر علی اوف، رئیس جمهوری آذربایجان، با همتای آمریکایی خود، بیل کلینتون، در واشنگتن، در روز ۲۷ مهرماه، پروژه چند میلیارد دلاری خط لوله نفتی از باکو به ترکیه و اختلافات آذربایجان و ارمنستان مورد بحث قرار گرفت. واشنگتن خواستار اختتام کامل درگیری های میان دو کشور بر سر منطقه قره باغ شد که یک دهه ادامه داشته است. ادامه درگیری ها باعث نگرانی کمپانی های آمریکایی برای صدور ذخیره های نفتی، از طریق این خط لوله تحت کنترل آمریکا، از مسیر ترکیه به غرب است.

روسیه نیز در تلاش برای ایجاد یک خط لوله برای صدور نفت، از قزاقستان به دریای سیاه، از طریق خاک روسیه، است. این خط لوله، از منطقه چین و نیز داغستان در همسایگی آن، عبور خواهد کرد. علی اوف گفت، مذاکرات او با کلینتون برای حل و فصل درگیری با ارمنستان «بسیار مفید» بوده است اما از ذکر هر گونه جزئیاتی خودداری کرد.

روسای جمهوری آمریکا و آذربایجان، در رابطه با خط لوله نفتی باکو - جیحان، که قرار است نفت را از باکو به بندر جیحان منتقل کند، تبادل نظر کردند. سخنگوی شورای دفاع ملی کاخ سفید، جیم فالین، گفت: «پرزیدنت علی اوف تعهد قوی خود به ساختمان خط لوله نفتی باکو - جیحان را مورد تاکید مجدد قرار داد، و در رابطه با مذاکرات کنونی، با نهای کردن و سپس اجرای موافقت نامه چهارچوب که در آبان ماه گذشته در استانبول به امضا رسیده بود، توضیح داد.»

شورشیان چین در واشنگتن

رهبران جدایی طلب چین، در روز ۲۷ بهمن ماه، اعلام کردند که، آنها یک جلسه «موفقیت آمیز» گفتگو با مقامات رسمی در وزارت خارجه ایالات متحده در واشنگتن داشته اند. جیمز روبین، سخنگوی وزارت خارجه، گفت که سیلام بچالوف معاون رئیس پارلمان شورشیان چین، با

مقام های مسئول ایالات متحده و حقوق بشر، ملاقات و گفتگو داشته است. ماه گذشته، وزیر خارجه دولت شورشی چین، با یک مقام رسمی وزارت خارجه، در یک هتل در واشنگتن، ملاقات کرد. نماینده چین در واشنگتن، لیوما عثمانوف، گفت که، جلسه بسیار موفقیت آمیز بوده است. او گفت: «وزارت خارجه دو ساعت وقت بیهوده صرف نمی کند.» واشنگتن به طور رسمی اعلام کرده است که، استقلال چین از فدراسیون روسیه را به رسمیت نمی شناسد.

از نکات مهم در رابطه با مذاکرات هیئت چین و مقامات آمریکایی، تشارن آن با حضور حیدر علی اوف، رئیس جمهوری آذربایجان، در واشنگتن است.

نظم نوین جهانی

کشورهای در حال توسعه، که در تلاش برای عقب نیفتادن از حرکت های سرسام آور تجارت آزاد جهانی اند از روز ۲۷ بهمن خواستار شدند که، به آنها فرصتی برای شروع زندگی اقتصادی جدید داده شود.

نمایندگان کشورهای جهان سوم، در کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه (آنکتاد)، که در بانکوک جریان داشت، گفتند که، اگر هدف از بین بردن اختلاف ثروت گسترش یابنده است، کشورهای صنعتی باید از بدهی های کشورهای فقیر چشم پوشند و به آنها امکان دسترسی بهتر به بازارها و فن آوری بدهند. وزیر تجارت کوبا، ریکاردو کابریسیاس رویز، گفت در

حالی که فقط یک پنجم مردم جهان در کشورهای صنعتی زندگی می کنند، مشو لیت ۸۶ درصد تولید خالص ملی و ۸۲ درصد کل صادرات جهان را به عهده دارند. او گفت: «ارجحیت هر دور جدید مذاکرات تجارتی چند جانبه، باید به عوض توجه به بهبود شرایط تجاری سنتی تغییر ساختاری به نفع اقتصادهای ضعیف تر باشد.» نمایندگان دیگر بحث کردند که، سیستم اقتصادی کنونی جهان پس از جنگ دوم جهانی پایه گذاری شد، یعنی زمانی که کشورهای در حال توسعه امروزین در تحت حاکمیت استعمار و یا شبه استعمار قرار داشتند، و بنابراین از تصمیم گیری درباره سیستم کنونی اقتصادی محروم بودند.

آنها اشاره کردند که به تغییرات ساختاری بیشتری برای تصحیح عدم توازن در رابطه تجاری فعلی بین کشورهای فقیر و صنعتی نیاز است. آنها متذکر شدند که کشورهایشان آن قدر از کشورهای صنعتی عقب افتاده اند که خطر سقوط آنها مطرح است. کشورهای ثروتمند جهان در جریان کنفرانس «آنکتاد»، خواستار شدند که، کشورهای فقیر با اتخاذ سیاست هایی که گرایش شان جلب سرمایه گذاری خارجی است، موافقت کنند. بسیاری از کشورهای فقیر، فراخوان آمریکا و اتحادیه اروپا را در رابطه با انجام مذاکرات جدید که شامل سرمایه گذاری و سیاست رقابتی باشد، مردود شمرده اند.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

کنگره شما در مقطع پر اهمیتی از تاریخ معاصر میهن مان برگزار می شود. مبارزه توده های زحمتکش و ستمدیده برای رهایی از ستم و سرکوب رژیم «ولایت فقیه» اوج تازه ای گرفته است. حضور گسترده مردم در صحنه پیکار توانسته است مرتجعان و انحصار گرایان حاکم را وادار به عقب نشینی هایی بکند و راه را برای تحولات مهم تر بگشاید. آنچه را که به جرئت می توان و باید گفت، این است که، نقش مستقیم نیروهای چپ در بسیج و سازماندهی چنین حرکت توده ای، هم سنگ با توان و موقعیت تاریخی آن نبوده است و حرکت های کنونی مردم در کل، از آگاهی و تجربه اندوزی درد آور خود آنها در سال های پس از انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ ریشه گرفته است. عامل عمده در ایجاد چنین وضعیتی، پراکندگی سنتی نیروهای چپ، دموکراتیک و ترقی خواه، بر اساس پیش داوری های ذهنی و غالباً غیر ضروری بوده است.

رفقا!

حزب ما، با شناخت دقیق از تاریخچه مبارزه سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و پیکار فدائیان در سه دهه گذشته در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن، خواهان ایجاد ارتباطات نزدیکتر و برنامه ریزی برای فعالیت های مشترک در جهت کمک به مبارزات خلق های میهن، بوده است. حزب ما، بررغم تفاوت مشخص دیدگاه ها در گذشته و حال، راستای عمده سیاست های شما را با آماج های برنامه حزب توده ایران، در مبارزه برای تحقق خواست های زحمتکشان، مشترک دانسته، و معتقد بوده است که، باید بر اساس نقاط اشتراک، از جمله پیکار در راه آزادی میهن از بند های استبداد، گام های عملی جدی در راه تنظیم سیاست مشترک مبارزاتی برداشته شود.

رفقا!

تحولات سالیان اخیر میهن ما، عینی بودن این تحلیل را به اثبات رسانده است که، مبارزه برای «طرز رژیم ولایت فقیه» عمده ترین صحنه پیکار برای برون رفت از بحران همه جانبه سیاسی-اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور است. حمایت زحمتکشان، جوانان و زنان، قربانیان اصلی سیاست های رژیم ولایت فقیه، از کاندیداهای طرفدار اصلاحات دموکراتیک، و جواب نه قاطع به مهره های منفور ارتجاع، و به ویژه پاسخ روشن آنان به بند بازی های هاشمی رفسنجانی، نشان دهنده پختگی و درایت توده هاست که در سه سال گذشته مصمم و بی تزلزل در راه آرمان های الوالی آزادی و استقرار یک حکومت مردمی رزمیده اند. توده های مردم با بهره برداری هوشمندانه از اوضاعی که اختلافات عمیق ناشی از بحران همه جانبه کشور، در راس حاکمیت ایجاد کرده است، توانسته اند مهر خود را دگر بار بر تحولات کشور بزنند. حزب توده ایران، همچنان معتقد است که، جنبش مردمی در مبارزه خود برای آزادی ها، می تواند و باید از تضاد های موجود بین جناح های حاکمیت بهره برداری کند، و مخالف دامن زدن به ایجاد هر گونه توهمی پیرامون آنها در میان توده ها است.

رفقا!

اسناد کنگره چهارم حزب توده ایران در بهمن ماه ۱۳۷۶، و پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب در بهمن ماه گذشته، مواضع دقیق و پیگیر حزب ما را در قبال تحولات سریع و بغرنج کشور، و تحلیل آن از جوانب مختلف، جنبش مردمی طرفدار توسعه سیاسی را تعریف کرده است. موضع گیری های حزب توده ایران، لزوم دفاع از چنین جنبشی، نه یک موضع گیری مقطعی، بلکه دقیقاً ادامه پیگیر خط سیاسی حزب در مبارزه متحد برای «طرز رژیم ولایت فقیه» در بیش از یک دهه پیش بوده است. ما پیش از یک دهه، بر این حقیقت که، حل بحران همه جانبه اقتصادی-اجتماعی، سیاسی، فرهنگی غالب بر میهن مان، در گرو برقراری

ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اسفندماه سال جاری برگزار شد. به دعوت رفقای شورای مرکزی سازمان، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از جمله مدعوین شرکت کننده و سخنرانان کنگره بود. متن پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شرح زیر است:

رفقای گرامی!

به نمایندگی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین درودهای اعضا و هواداران حزب توده ایران را به شما، شرکت کنندگان در ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، و از طریق شما به تمامی اعضا و هواداران فدائیان (اکثریت) تقدیم می دارم.

رفقا!

مردم جهان در آستانه قرن بیست و یکم میلادی، تماشاگر نتایج و آثار شوم به اصطلاح «نظم نوین جهانی» اند که در سال های پس از سقوط سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی، از طریق خشونت محض امپریالیسم، به آنان تحمیل شده است. گرچه این «نظم نوین»، در لفافه شعارهای فریبنده، نظیر همکاری بین المللی، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر، پیچیده شده است، اما محتوای آن چیزی جز نقض فاحش منشور سازمان ملل، نقض قوانین بین المللی و دور تازه ای از زورگویی نظامی، جنگ و خونریزی نیست. جنگ های خونین در اروپا، خاورمیانه و آفریقا، با شرکت مستقیم کشورهای امپریالیستی، میلیون ها تن را با ویرانی، مرگ و قحطی مواجه کرده است. امپریالیسم جهانی، همان گونه که در رابطه با بحران یوگسلاوی نشان داد، آمادگی تحمل هیچ گونه استقلال عملی را از سوی دیگر کشورها ندارد و هر گونه چالشی را با جنگ و خونریزی و آتش پاسخ می دهد.

در کنار این تحولات، سوسیال دموکراسی حاکم در کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز، با همسو شدن هر چه بیشتر با نیروهای راست گرا و محافظه کار، در تقابل با منافع طبقه کارگر و زحمتکشان در این کشورها، و نیز ادامه سیاست های نواستعماری در قبال کشورهای در حال توسعه، گام های بلندی برداشته است.

• وضعیت اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی ناشی از سیاست های نولیبرالی حاکم بر کشورهای سرمایه داری اروپا، به رشد نگرانی اور گرایش های نژاد پرستانه و فاشیستی، تا حد شرکت نیروهای نئونازی در دولت های محلی و سراسری در تعدادی از این کشورها، انجامیده است.

• پدیده موسوم به «جهانی شدن» سرمایه داری، که از یک سو متضمن آزادی عمل فارغ از هر گونه کنترل در استثمار جهان سوم، و از سوی دیگر تحمیل سیاست های ضد مردمی از طریق کنترل صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی است، هر چه گسترده تر عمل می کند.

• شکست فضاقت بار سرمایه داری، در کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی و تایید قاطع و گسترش یابنده شهروندان این کشورها بر برتری سوسیالیسم برسرمایه داری، در تعدادی از این کشورها نیروهای چپ را به مثابه جایگزین مستقیم و نیرومند رژیم های فاسد و وابسته به امپریالیسم، مطرح کرده است.

• مبارزه مردم و زحمتکشان جهان با نولیبرالیسم و جهانی شدن، که نمونه هایی از آن در سال گذشته میلادی در لندن و سیاتل به نمایش گذاشته شد، گسترش می یابد. از مشخصات برجسته این مبارزه، اشکال نوین سازمان دهی مبارزه توده ای، قشرهای جدید شرکت کننده در آن، و کوشش برای وحدت عمل اتحادیه های کارگری کشورهای سرمایه داری، کشورهای در حال توسعه، فعالان محیط زیست و مبارزان برضد بدهی عظیم کشورهای فقیر بود.

در چنین شرایطی است که رشد کمی و کیفی محسوس مبارزات زحمتکشان، در جهت ارتقاء یک پلانفرم رادیکال و چپ در چهار گوشه جهان، از نپال و هند گرفته تا روسیه و قرقیزستان، از مراکش و کنگو گرفته تا میهن مان ایران را شاهدیم.

ادامه در صفحه ۲

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:578
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

7 March 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse



ارزیابی جنبش مسلمانان مبارز از انتخابات
 جنبش مسلمانان مبارز طی اطلاعیه بی انتخابات ۲۹ بهمن مجلس ششم را ضربه سخت دیگری بر قلمه به ظاهر مستحکم انحصار و اندیشه قیم مآب قلمداد کرده، که به اتکای حکمت و خرد جمعی مردم ایران و «نه» قاطع، آگاهانه و هوشیارانه مردم ایران، به مخالفان آزادی و مردم سالاری شکل گرفت. این بیانیه شکست سخت جنبه انحصار به ویژه در استان های تهران، خراسان، اصفهان، فارس و استان های غربی کشور را، قابل توجه و بررسی دانسته است.

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز، انتخابات ۲۹ بهمن را، جلوه بی از رفتارندوم به اصلاحات و میل وافر قشرهای مختلف جامعه بر تثبیت، بسط و تمعین جنبش برای آزادی و مردم سالاری دانسته است. بیانیه می افزاید: «اکنون نوبت اصلاح طلبان درون حاکمیت است که با در اختیار داشتن قوه مجریه و مقننه، به خواسته های مردم وعده هایی که تاکنون داده اند، عمل کنند. لزوم رفع موانع قانونی و سدهای غیر قانونی بر سر راه فعالیت آزاد و امن حزبی، اهمیت فعالیت آزاد و صدور مجوز انتشار مطبوعات به همه شهروندان، حذف نظارت استصوابی از انتخابات، حل معضل گزینش، مشکل دادگاه های ویژه و برخی قوانین قضایی و ... از جمله مطالبات مردم عنوان شده است. (فتح ۲۲ اسفند)

بحران آفرینی برای سرکوب جنبش

روزنامه فتح ۲۲ اسفند مقاله ای را از مسعود حتقو به چاپ رسانده که در آن با اشاره به بحران آفرینی نیروهای ذوب در ولایت برای مقابله با جنبش مردمی بعد از انتخابات مجلس ششم می نویسد: «به بحران آفرینی های همین چند هفته اخیر اصحاب انحصار نگاه کنیم. هنوز از ماجرای تحصن قم خارج نشده ایم که پروژه بلژیک به راه می افتد. هنوز پرونده کوی دانشگاه حل نشده است که فرمان حمله و هجوم به مطبوعات از سوی محافل و اشخاص اقتدارگرا، صادر می شود، هنوز از این همه فارغ نشده ایم که در مجلس طرح خروج کارگاه های پنج نفر تصویب می شود. شورای نگهبان نیز آن را تایید می کند و دو میلیون و هشتصد هزار کارگر را به روابط عصر ماقبل صنعتی پرتاب می کند.

جناح انحصار طلب اکنون با ارائه و تصویب این طرح در غوغای انتخابات مجلس ششم جنبه ای دیگر را گشوده است. هدف از این طرح دامن

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«جنبه واحد ضد دیکتاتوری، برای پایان دادن به استبداد، و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کند؛ خواهان جدایی کامل دین از حکومت است، و تحقق برنامه های زیر را ضرور می داند: الف: پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه»، همچون نهادی از برای اعمال اراده یک فرد برجسته که تبلور آشکار و صریح دیکتاتوری فردی است، و استقرار دموکراسی؛

ب- استقرار یک حکومت ائتلاف ملی، با هدف رفع محرومیت شدید در جامعه، و تدوین برنامه های اقتصادی برای تحقق عدالت اجتماعی، و تأمین استقلال و حاکمیت ملی؛

پ- به رسمیت شناختن حقوق کلیه احزاب، سازمان ها، و گروه های سیاسی برای فعالیت آزادانه سیاسی؛

ت- به رسمیت شناختن حقوق کلیه اتحادیه ها، سندیکاها و تشکل های کارگران و زحمتکشان؛

ث- آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و پایان دادن به شکنجه و پیگرد دگراندیشان؛

ج- لغو سانسور و محدودیت از کلیه روزنامه ها، مجلات و نشریات؛

چ- انحلال فوری ارگان های سرکوبگر، از جمله وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، کمیته ها و دادگاه های انقلاب؛ ...»

از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب



ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۷۸، دوره هشتم

سال شانزدهم، ۲۴ اسفند ماه ۱۳۷۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مماشات در برخورد با ریشه های ترور و اختناق، زمینه ساز ادامه ترور و استبداد است!

بلکه آمران اصلی این جنایت، کسانی که فتوای «شرعی» این قتل ها را صادر کردند، هنوز از تریبون های نماز جمعه به تهدید دگراندیشان ادامه می دهند، و این دانشجویان مدافع آزادی و جامعه مدنی اند که به جرم اقدام «علیه نظام» به زندان های طویل المدت و یا اعدام محکوم می شوند. مماشات در برخورد با ریشه های ترور، اختناق و استبداد در میهن ما، عمده ترین دلیل ادامه فعالیت و حاکمیت نیروهایی است که معتقدند تنها راه حفظ حکومت استبدادی سرکوب خشن و خونین دگراندیشان، چه مذهبی و چه غیر مذهبی است.

یافتن ریشه های اختناق، سرکوب و ترور کار دشواری نیست. ریشه و زمینه های این جنایات را باید در کسان و یا نیروهایی جستجو کرد که، در دهه گذشته، فرمان کشتار زندانیان سیاسی را صادر کرده اند. ریشه این جنایات را در سخنان «ولی فقیه» رژیم که فریاد «منکوب کنید» و سرکوب کنید قیام دانشجویی ۱۸ تیرماه را سرداد، و یا در تهدید های «گردن زدن» و «زبان بریدن» فرمانده سپاه پاسداران و یا سخنرانی های تهدید آمیز مصباح یزدی ها، جنتی ها، یزدی ها و دیگران در نماز جمعه ها باید جستجو کرد که «مسلمانان با غیرت» را به ریختن «خون مرتدان» تشویق می کنند، و این اعمال

سعید حجاریان، مدیر مسئول روزنامه «صبح امروز» و نایب رئیس شورای شهر تهران، معاون سابق وزارت اطلاعات، روز یکشنبه، ۲۲ اسفندماه، در مقابل محل شورای شهر تهران هدف گلوله مزدوران استبداد و تاریک اندیشی قرار گرفت و شدت مجروح شد. اخبار گزارش شده از جزئیات این حادثه، جای شکی باقی نمی گذارد که این ترور، همچون قتل های نضرت انگیز زنده یادان فروهرها، پوینده، مختاری و شریف، و همچنین ترور دگراندیشان در خارج از کشور، قاسمطو ها، شرفکندی و یارانش از یک مرکز واحد سازمان یافته و هدفش ایجاد جو رعب و وحشت و تأمین شرایط برای حفظ رژیم استبدادی حاکم بر میهن ماست.

سوء قصد به جان حجاریان، نظرنه «پاکسازی» دستگاه اطلاعاتی و امنیتی کشور را از وجود «افراد ناصالح»، که پس از قتل های زنجیره ای از سوی سردمداران رژیم تبلیغ می شد، نقش بر آب کرد و بار دیگر بر درستی این نظر صحه گذاشت که، وجود ترور به قصد تداوم اختناق در میهن ما ارتباطی با چند مهره سوخته همچون سعید امامی ندارد و ریشه های آن در عمق وجود رژیم «ولایت فقیه» نهفته است. اتفاقی نیست که نزدیک به دو سال پس از جنایت نضرت انگیز قتل های زنجیره ای، هنوز نه تنها هیچ کسی به پای میز محاکمه کشانده نشده است،

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

زودت به شکاف طبقاتی و تضاد کار و سرمایه است. جناح انحصار اکنون قصد کشانیدن جامعه در گردابی دارد که بی شک در صورت تحقق، هدف عمده و اساسی اصلاحات را که افزایش کمی و کیفی توان تولیدی جامعه و عیبتی و ملموس شدن برنامه های اصلاح طلبان در زندگی جاری و روزمره آسیب پذیرترین اقشار جامعه است، با چالش جدی روبرو خواهد بود. به نظر می رسد اگر اصلاح طلبان از جبهه جدیدی که توسط جناح انحصار طلب گشوده شده است غفلت کنند و تمام توان آگاهی رسانی خود را در مطبوعات صرف پرونده قتل ها، کوری دانشگاه و... کنند پس از چندی با بحرانی در جوامع کارگری روبه رو خواهیم بود که پروژه اصلاح طلبی را با مخاطرات جدی مواجه خواهد کرد.»

ناخنودی ذوالنور از حامیان «مرتدان»

ذوالنور فرمانده تیپ ۸۳ امام جعفر صادق طی سخنانی در قم گفت: امروز دشمنان برای از بین بردن حاکمیت اسلام در کشور از نابودی ارزش ها و معنویات از راه دیگری وارد شده اند و با ابزار جدید با استفاده از برخی چهره ها که «خودی» تصور می شوند، همه چیز را زیر سوال قرار می دهند. وی در جایی دیگر از سخنان خود گفت: «امروز برخی بنیادهای دینی و اعتقادی مردم را زیر سوال قرار می دهند. آیا معنا و مفهوم آزادی این است که نامزدی برای راهیابی به مجلس شمار برداشتن چادر را سر دهد. غیرت دینی کجا رفته است.» وی با اشاره به قتل های زنجیره ای اضافه کرد: «چرا برای چهار نفر مرتد این قدر باید سروصدا کرد و هر روز اطلاعیه و مقاله ای در این رابطه منتشر شود در حالی که ما هر پانزده روز یک شهید امر به معروف و نهی از منکر داریم.» (کیهان شنبه ۲۱ اسفند)

نگرانی در مورد امنیت روشنفکران

صفا پوینده خواهر محمد جعفر پوینده در یک گفتگو با روزنامه «هم میهن» گفت: «پیگیری خانواده های مقتولین قتل های زنجیره ای جنبه خونخواهی ندارد.» وی اضافه کرد: «ما نگران عزیزانمان بودیم که از دست داده ایم. نگرانی ما این است که اگر این معضل ریشه یابی نشود کماکان همه شهروندان بخصوص روشنفکران امنیت نخواهند داشت. وی با اشاره به تجمع اخیر خانواده های متهمان قتل های زنجیره ای در مجلس گفت: «ما به آنها حق می دهیم که خواهان تشکیل دادگاه علنی یا حضور هیئت منصفه و کیل باشند زیرا اگر این طور باشد مسئله بهتر ریشه یابی می شود.» صفا پوینده گفت: «وقتی آنها حق مانور در مجلس را دارند به این معنا است که حمایت می شوند.» (هم میهن ۲۲ اسفند)

نقطه نظرات شخصت های سیاسی در همایش دفتر تحکیم

عزت الله سبحانی طی سخنانی در همایش دفتر تحکیم وحدت در خصوص راهکارها و مجاری تحقق مطالبات مردم با اشاره به تشنج آفرینی و فتنه انگیزی های بعد از دوم خرداد ۷۶، اظهار داشت: «دولت آقای خاتمی علیرغم صمیمیت نسبت به وعده های خودش، نتوانست کارهایش را پیش ببرد که امکان ادامه این حرکت بعد از مجلس ششم وجود داد.» وی گفت: «مجلس باید به مسائل اقتصادی توجه کند، تا راه را برای اصلاحات عمیق تر باز کند.» سبحانی با تاکید بر ایجاد امنیت و ثبات در جامعه گفت: «فضا بسیار ناآرام و بی ثبات است و نمود این بی ثباتی فرار مردم از سرمایه گذاری دراز مدت در کشور است زیرا سرمایه گذاری نیاز به محیط امن دارد.» سبحانی با بیان این مطلب که در کشور بخش فعال و پویای اقتصادی نداریم گفت: «نهادهای موازی بر فساد اجرایی کشور می افزایند و یکی از عوامل عمده فساد در نظام اداری مراکز متعدد تصمیم گیری و دولت در دولت است.» اکبر گنجی در همین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی را نهادی غیر قانونی دانست که استقلال دانشگاه ها را سلب کرده است و انحلال این شورا را از وظایف مجلس ششم دانست. گنجی به نهادهایی چون آستان قدس رضوی و بنیاد مستضعفان اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر نهادهای موازی اقتصادی به فعالیت خودشان ادامه می دهند که نباید این گونه باشد.»

مرعی از کارگزاران سازندگی اظهار داشت: «در زمینه اقتصاد باید با مسئله رانت ها مواجه نباشیم، اقتصادی که پایه اش بر رقابت متکی نباشد بلکه متکی بر خرید و فروش مجوزها و تماس ها باشد یک اقتصاد سالم نیست.» وی با بیان این مطلب که جریان اصلاح طلبی در ایران نمی تواند نهاد روحانیت را نادیده بگیرد و اگر به تقابل بکشد، ضایعاتی را پیش می آورد، گفت: «آقای هاشمی را شخصیتی می دانیم که در میان روحانیت بیشترین همراهی را با جریان اصلاحات داشته است.» عبدی از سخنران های دیگر همایش گفت: «مطالبات اصلی مردم اقتصادی است اما در عین حال که مطالباتشان اقتصادی است هنگام رای دادن به نحو دیگری عمل می کنند و این مسئله تناقض ندارد چون می دانند این امر بدون پیش نیازهای موثر، امکان پذیر نیست.»

ادامه اطلاعیه دبیرخانه...

را عین احکام و دستورات «اسلام» می دانند. سو، قصد به سعید حجاریان، پس از شکست سنگین نمایندگان جناح «ذوب در ولایت» در جریان انتخابات تاریخی ۲۹ بهمن، نشانگر آن است که مدافعان ارتجاع و حاکمیت استبداد، بیش از پیش، از بی آیندگی خود هراسناک اند و آماده اند تا هر مرزی، از جمله کشتار نیروهای «خودی» می نامیدند، پشت سر گذاشته و به هر جنایتی متوسل شوند.

نکته دیگر این که، جنایتکاران با هدف قرار دادن سعید حجاریان، کسی از طرفداران جبهه دوم خرداد را هدف قرار دادند، که نقش مهمی در سازمان دهی نیروهای این جبهه ایفاء کرده بود. و به دلیل گذشته امنیتی خود اطلاعات و سیسی از چگونگی عملکرد دستگاه های سرکوبگر رژیم و ارتباط این ارگان ها با رهبری، از جمله شخص سید علی خامنه ای و هاشمی رفسنجانی، در اختیار داشت، که می توانست در دراز مدت برای رژیم خطرناک باشد. بدین ترتیب، روشن است که هدف این سو، قصد و حرکات احتمالی آینده ایجاد جو ناآرام و تشنج در جامعه و در واقع آماده کردن زمینه برای سرکوب خونین و خشن جنبش مردمی، زیرلوی بازگرداندن «امنیت و آرامش» به جامعه است.

حزب توده ایران، ضمن هشدار باش پیرامون توطئه های مزدوران رژیم «ولایت فقیه»، که به قصد مقابله با پیروزی های جنبش مردمی شدت می یابد، معتقد است که جنبش تنها با برخورد قاطع و هماهنگ می تواند خود را در مقابل خطرات ناشی از این توطئه و ترفندهای دیگر بیمه کند. نباید اجازه داد تا بار دیگر برخورد مامشات طلبانه و تسلیم گرایانه زیر لوی «حفظ نظام» پوششی برای حفظ جنایتکاران شود و گردانندگان اصلی توطئه های ضد مردمی در تاریکخانه بمانند. ریشه یابی این جنایات، نه از طریق پیدا کردن مزدوران کارد بدست و یا تپانچه کش بلکه از طریق یافتن آمران اصلی این جنایات و به محاکمه کشاندن آنان ممکن است. در این زمینه هرگونه دزنگ و تأخیری می تواند عوارض خطرناکی برای جنبش در بر داشته باشد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۳ اسفندماه ۱۳۷۸

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 578
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

14 March 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک